

بررسی تأثیر مشاوره شغلی بر افزایش خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان

مرضیه شماعی زاده^۱ - محمدرضا عابدی^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر مشاوره شغلی بر افزایش خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان است. برای اجرای پژوهش ۳۰ نفر از دانشجویان مراجعه کننده به مرکز کارآفرینی دانشگاه به روش تصادفی ساده انتخاب شدند و سپس با گمارش تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره به عنوان گروه آزمایش و گروه گواه جایگزین شدند. آنگاه هر دو گروه با آزمون خودکارآمدی کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفتند. این آزمون را پژوهشگر تهیه کرد و طی مراحل روایی و پایایی آن محاسبه گردید. سپس گروه آزمایش در جلسات مشاوره شغلی گروهی به مدت ۱۰ جلسه شرکت کردند و پس از اتمام جلسات گروه، پس آزمون در مورد هر دو گروه اجرا شد. فرضیه‌های تحقیق عبارت بودند از: ۱- مشاوره شغلی گروهی، خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان را افزایش می‌دهد. ۲- بین

افزایش خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان و جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که مشاوره شغلی گروهی، خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان را افزایش داده است ($P < 0/02$) و همچنین بین میزان افزایش خودکارآمدی و جنسیت رابطه معناداری مشاهده نگردید. کلید واژه‌ها: خودکارآمدی، کارآفرینی، خودکارآمدی کارآفرینی.

مقدمه

کارآفرینی یکی از برنامه‌ریزی‌های مهم اجتماعی و اقتصادی است که نیازمند ترکیبی از استعدادها، عقیده‌ها، ظرفیت‌ها و دانش بالاست (سکستون و اسمیلور، ۱۹۸۶). به طور کلی کارآفرینی از ابتدای خلقت انسان در تمام زوایای زندگی همراه او بوده و مبنای تمامی تحولات و پیشرفت‌های بشری بوده است و تعاریف زیاد و متنوعی از آن به عمل آمده است (صمد آقایی، ۱۳۷۸). دراکر کارآفرینی را یک رفتار می‌داند نه یک صفت خاص. همچنین او افراد کارآفرین را کسانی می‌داند که بتوانند به درستی تصمیم‌گیری کنند و همواره به دنبال تغییر هستند (احمدپور، ۱۳۸۰). کارآفرینی فرایند خلق چیزی نو و با ارزش با صرف وقت و تلاش کافی است که توأم با خطرپذیری مالی، روانی و اجتماعی بوده و دریافت پاداش‌های مالی، رضایت شخصی و استقلال از نتایج آن است (هیستریچ و پیترز، ترجمه فیض‌بخش، ۱۹۹۹). جفری تیمونز معتقد است که کارآفرینی خلق و ایجاد بینشی ارزشمند از هیچ است. کارآفرینی به بینشی همراه با تعهد، همدلی و انگیزش نیاز دارد، تا این بینش به دیگران منتقل شود (احمدپور، ۱۳۸۰). مرکز کارآفرینی در دانشگاه میامی در اوهایو (۲۰۰۰) کارآفرینی را فرایند تشخیص، توسعه و به واقعیت در آوردن یک رؤیا در زندگی می‌داند که این رؤیا می‌تواند یک فکر بدیع، یک فرصت تازه و یا یک شیوه بهتر برای انجام برخی از کارها باشد.

از تعاریف کارآفرینی چنین برمی‌آید که تعبیرهای متفاوتی از این موضوع به عمل آمده و چشم‌اندازهای مفهومی گوناگونی در این زمینه وجود دارد. اما در همه این تعبیرها وجوه مشترکی مثل لزوم خطرپذیری، خلاقیت، استقلال و پشتکار وجود دارد. از جمله این اشتراک‌ها موضوع خودکارآمدی کارآفرینی است. چن، گرین و کریک (۱۹۹۸) خودکارآمدی را برآورد فرد از تواناییهای خود می‌دانند که از آن برای جمع بین انگیزه،

منابع شناختی و فرایند عمل خود استفاده می‌کند تا بر حوادث زندگی تسلط بیشتری داشته باشد. بندورا به عنوان پایه‌گذار مفهوم خودکارآمدی، ادراک فرد از اعتماد به نفس خود در انجام وظایف و نیز باور او در مورد توانایی انجام کار را خودکارآمدی می‌داند.

بندورا چنین فرض می‌کند که ادراک فرد از اعتماد به نفس خود در انجام وظایف (احساس خودکارآمدی) بین آنچه که آنها می‌دانند و آنچه که انجام می‌دهند به صورت واسطه عمل می‌کند و به تصمیم‌گیری‌های آینده او کمک می‌نماید (سوانسون، ترجمه موسوی، ۱۳۸۱). عقاید خودکارآمدی مشخص می‌کند که افراد چگونه احساس می‌کنند، چگونه می‌اندیشند، چگونه خود را برمی‌انگیزند و چطور رفتار می‌کنند (بندورا، ۱۹۹۷). خودکارآمدی قضاوت فرد از ظرفیت خویش برای انجام سطح مشخصی از عملکرد و یا دستیابی به نتیجه است (دی‌نوبل، یونگ و اریلیچ، ۲۰۰۰).

در واقع خودکارآمدی یکی از مؤلفه‌های مهم کارآفرینی و پیش‌شرط آزادسازی استعدادهای پنهان و کارآفرینانه افراد است (بندورا، ۱۹۹۷). دیدگاه خودکارآمدی برای مطالعه کارآفرینان بسیار مناسب است. خودکارآمدی کارآفرینی بر تواناییهای فرد از باورهایش اشاره دارد که او را برای عملکرد موفقیت‌آمیز در نقش‌ها و وظایف خود به عنوان یک کارآفرین قادر می‌سازد (چن و همکاران، ۱۹۹۸). افرادی که خودکارآمدی کارآفرینی بالاتری دارند، از سطح بالاتری از تصورات کارآفرینانه برخوردارند و در حقیقت زمان بیشتری را صرف تدارک یک عمل کارآفرینانه می‌کنند (دی‌نوبل و همکاران، ۱۹۹۹). خودکارآمدی کارآفرینی در واقع قضاوت شخصی افراد کارآفرین است که آنها را نسبت به تواناییهایشان معتقد می‌سازد. در واقع آنها باور دارند که به مهارتهای رفتاری و شناختی لازم برای یک اقدام مؤثر و جدید یا یک فعالیت کارآفرینانه تسلط دارند (لوتانز، استاجکویس و برابوا، ۲۰۰۰).

نتایج تحقیقات کن، مارکمن، بارون و رلی^۱ (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که خودکارآمدی پیش‌بینی‌کننده مهمی برای عملکرد کارآفرینان است. خودکارآمدی کارآفرینی مؤلفه اصلی در تعیین این مسأله است که افراد چگونه و چقدر در توسعه کارآفرینانه تلاش می‌کنند، چه مدت ادامه می‌دهند و چقدر نسبت به موانع روشن‌بین هستند. بنابراین می‌توان گفت خودکارآمدی متغیر شناختی اصلی در عملکرد هر

کارآفرین است (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۰). برای توسعه حس خودکارآمدی کارآفرینی در افراد می‌توان از نمونه‌هایی که در نظریه‌های مشاوره حرفه‌ای وجود دارد استفاده کرد. پیشرفتهای اجتماعی و فناوری در جوامع صنعتی باعث پیدایش مباحث راهنمایی و مشاوره حرفه‌ای شد. تعاریف متعددی در زمینه مشاوره حرفه‌ای بیان گردیده است. سوپر مشاوره حرفه‌ای را فرایند مداوم و پیوسته می‌داند که طی آن فرد خود را می‌شناسد و تصویر دقیقی از خصوصیات خود به دست می‌آورد، از دنیای مشاغل آگاهی می‌یابد و تصور شغلی و حرفه‌ای خود را در برابر واقعیت مورد سنجش قرار می‌دهد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۱).

موریل و فورست معتقدند توجه به عوامل متعدد از جمله؛ رغبت‌ها، تواناییها، نیازهای فردی و اجتماعی و اطلاعات شغلی در راهنمایی و مشاوره شغلی و حرفه‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است. نقش اساسی مشاوره شغلی و حرفه‌ای آن است که هماهنگی مطلوبی بین عوامل گفته شده برقرار نماید، به طوری که شخص بتواند به نحو مطلوب به انجام وظایف محوله بپردازد و از شغل خود لذت ببرد (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۱). مشاوره حرفه‌ای مفاهیمی مانند کمک به افراد به منظور توسعه مهارت‌های برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای تسهیل در امر انتخاب حرفه‌ای را در برمی‌گیرد (نیستل، ۲۰۰۳).

پژوهش‌های هاکت و بتز^۱ (۱۹۸۱) و همچنین لنت^۲ و همکاران (۱۹۹۶) براساس مشاوره حرفه‌ای برای افزایش خودکارآمدی صورت گرفته است. (سوانسون، ۱۳۸۱). ماکت و بشر ارتباط ویژه‌ای بین نظریه خودکارآمدی و مشاوره حرفه‌ای به خصوص برای زنان قایل هستند و معتقدند که این نوع مشاوره می‌تواند در کاهش محدودیت‌های زنان در رابطه با حرفه و شغل آنان مؤثر باشد (نیستل، ۲۰۰۳). همچنین نتایج پژوهش سولیوان و ماهالیک (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که کارآمدی تصمیم‌گیری حرفه‌ای زنانی که در گروه مشاوره حرفه‌ای برای تعدیل خودکارآمدی شرکت کرده بودند، افزایش یافته است. با توجه به موارد فوق این پژوهش تأثیر مشاوره شغلی را بر افزایش خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان بررسی می‌کند. فرضیه‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- مشاوره شغلی به شیوه گروهی، خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان را افزایش می دهد.
- ۲- بین افزایش خودکارآمدی کارآفرینی و جنسیت رابطه وجود دارد.

روش اجرای تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق تجربی از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه آزمایش و گواه استفاده شده است. طرح تحقیق در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- طرح تحقیق

گروهها	انتخاب تصادفی	پیش آزمون	متغیر مستقل	پس آزمون
آزمایش	R	T1	×	T2
گواه	R	T1	—	T2

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان مراجعه کننده به مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان هستند.

روش نمونه گیری در این پژوهش تصادفی ساده است. به این صورت که از بین دانشجویانی که به مرکز کارآفرینی دانشگاه مراجعه می کردند، ۳۰ نفر به طور تصادفی انتخاب شده و با گمارش تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره گواه و آزمایش قرار گرفتند.

در این پژوهش برای اندازه گیری میزان خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان در پیش آزمون و پس آزمون، از پرسشنامه خودکارآمدی کارآفرینی استفاده شد. این پرسشنامه را پژوهشگر در جریان پژوهش تهیه کرد. برای ساخت پرسشنامه طی یک مطالعه مقدماتی و با استفاده از منابعی مانند مقاله چن و همکاران (۱۹۹۸) و همچنین مقاله دی نوبل و همکاران (۲۰۰۰) ۴۷ سؤال طراحی شد. سپس روایی محتوایی آن را ۴ متخصص در زمینه مشاوره و روان شناسی صنعتی و سازمانی تأیید کردند و نظرات این استادان در پرسشنامه اعمال گردید. آنگاه طی یک اجرای مقدماتی ($n = 50$) بر روی دانشجویان و محاسبه همبستگی هر سؤال با نمره کل، ۱۸ سؤال از مجموع سؤالات حذف شد و پرسشنامه ای با ۲۹ پرسش طراحی گردید که هر پرسش دارای گزینه های «کاملاً مخالفم»، «مخالقم»، «تاحدودی»، «موافقم»، «کاملاً موافقم» می باشد و به ترتیب

نمره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ برای آنها در نظر گرفته شده است. همچنین ضریب پایایی یا همسانی درونی سؤالات از طریق آلفای کرونباخ برابر با $0/9$ محاسبه گردید. برای تعیین اعتبار همزمان آزمون، پرسشنامه همراه پرسشنامه نگرش کارآفرینانه (EAO) بر روی ۴۰ دانشجو که به طور تصادفی از بین دانشجویان دانشگاه اصفهان انتخاب شده بودند، اجرا گردید. همبستگی بین نمرات دانشجویان در زمینه خودکارآمدی کارآفرینی و نیز نگرش کارآفرینانه برابر $0/42+$ و این همبستگی در سطح $0/01$ معنادار است ($Sig = 0/006$).

همچنین برای محاسبه اعتبار واگرایی پرسشنامه خودکارآمدی کارآفرینی، این پرسشنامه همراه پرسشنامه افسردگی بک بر روی همان نمونه اجرا گردید. میزان همبستگی نمرات خودکارآمدی کارآفرینی و همچنین نمرات افسردگی دانشجویان $0/07-$ و این همبستگی معنادار نبود ($Sig = 0/63$).

متغیر مستقل در این پژوهش ۱۰ جلسه مشاوره شغلی بود که با عنوان جلسات «۱۰ قدم تا کارآفرینی» به دانشجویان معرفی و به صورت گروهی اجرا شد. در این جلسات طی ۱۰ مرحله متوالی درباره روند کار از زمانی که فرد دوست دارد کاری را انجام دهد تا زمانی که آن کار را به انجام می‌رساند با اعضای شرکت‌کننده بحث شد. در ابتدا این موضوع بیان شد که برای انجام هر کاری خواستن نقطه شروع است و پس از آن مراحل دهگانه برای انجام کار مطرح شد؛ تمایل، تفکر، تحمل، تجسم، توانایی، تصمیم، توکل، تعهد، تحرک، تعادل.

در مرحله اول بحث تمایل مطرح شد با این سؤال که آیا به نظر اعضا این جمله که خواستن توانستن است صحیح است؟ پس از اظهار نظر همه اعضا و بحث بر روی موضوع نتیجه این بود که مرحله ابتدایی برای هر کاری تمایل است، اما همه کار نیست، بلکه قدم اول است.

در مرحله بعد بحث تفکر مطرح شد به این صورت که پس از تمایل لازم است دلایل ما برای انجام کار روشن و مشخص باشد تا بتوانیم آن کار را ادامه دهیم. پس از بحث اعضا نتیجه این بود که برای تعیین دلایل انجام کار و همچنین ایجاد ایده‌های نوآورانه لازم است تفکر به شکل حرفه‌ای و نه به صورت تفننی صورت گیرد.

در ادامه بحث تحمل و لزوم افزایش آن چه برای تفکر و چه برای رویارویی با شرایط سخت مطرح گردید. گام چهارم تجسم بود که به شکل ساختن تصویری در ذهن

مطرح شد و یکی از ابزارهای مهم در تسهیل وقوع یک اقدام کارآفرینانه بود. گام پنجم توانایی است که در آن اعضا به بررسی و شناسایی تواناییهای خود پرداختند و فهرستی از تواناییهای خود تهیه کردند. در گام ششم افراد برای یک تصمیم مهم آماده شدند و پس از جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات در مورد خود به تصمیم‌گیری درباره کارآفرین شدن و تلاش در این زمینه پرداختند. در این مرحله تعدادی از اعضا موضوع خود را اساس تصمیم جدی برای کارآفرین شدن اعلام کردند.

پس از این مرحله مباحثی مانند توکل و تعهد که به دنبال تصمیم‌گیری موضوعیت پیدا می‌کنند، مطرح شد و اهمیت این موضوعات مورد بررسی قرار گرفت. سپس تحرک مطرح شد و این مسأله مورد توجه قرار گرفت که هر تصمیمی برای اینکه به فعل در آید لازم است که همراه با تلاش و پشتکار لازم و تمامی افعال و رفتار و برنامه‌ریزی لازم باشد. در غیر این صورت انتظار عملی شدن آن غیرعقلانه است. در نهایت این نکته مطرح شد که در هر کاری اگر تعادل وجود نداشته باشد، محکوم به شکست است. به این منظور برای کمک به اعضا در زمینه ایجاد تعادل برنامه روزانه نمونه ارائه و از دوستان خواسته شد که با برنامه‌ریزی و هدفمندی به دنبال عملی کردن تصمیم خود باشند.

پس از انتخاب و جایگزین کردن آزمودنیها در دو گروه آزمایش و گواه و اجرای پیش‌آزمون برای هر دو گروه، جلسات مشاوره برای گروه آزمایش شروع شد. گروه گواه هیچ برنامه‌ای دریافت نکرد و فقط پیش‌آزمون و پس‌آزمون در مورد آنها به عمل آمد.

روند کار جلسات آموزشی به این صورت بود که در هر جلسه ابتدا خلاصه‌ای از بحث جلسه قبل مطرح می‌شد و تکالیف جلسه قبل مورد بررسی قرار می‌گرفت و آنگاه مرحله جدید مطرح شده و هر کدام از اعضا نظر خود را در رابطه با آن بیان می‌کردند. در پایان هر جلسه جمع‌بندی صورت گرفته و تکلیفی متناسب با موضوع جلسه برای اعضا مشخص می‌شد و در پایان از اعضا در مورد جلسه بازخورد گرفته می‌شد.

● در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها از روش آماری توصیفی و تحلیل کواریانس و برای انجام عملیات آماری از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

نتایج

پس از استخراج نتایج میانگین، انحراف معیار گروه آزمایش و گواه در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون محاسبه گردید.

جدول ۲- نمرات آزمودنیهای آزمایش و گواه و بعد از مداخله

گروه	آزمون		پیش آزمون		پس آزمون	
	جنس	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین
آزمایش	مرد	۳	۱۰۵/۳	۲۰/۱	۳	۱۱۴/۳
	زن	۱۲	۱۰۷/۳	۱۳/۶	۱۲	۱۱۳
	کل	۱۵	۱۰۶/۹	۱۴/۳	۱۵	۱۱۳/۲
گواه	مرد	۶	۱۱۸/۳	۱۳/۴	۶	۱۱۷
	زن	۹	۱۰۲/۳	۱۵/۳	۹	۱۰۱/۲
	کل	۱۵	۱۰۸/۷	۱۶/۲	۱۵	۱۰۷/۵

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات گروه آزمایش در پس آزمون نسبت به گروه گواه افزایش داشته است. علاوه بر این برای بررسی معناداری تفاوت بین نمره‌ها تحلیل کواریانس انجام شد.

جدول ۳- خلاصه نتایج تحلیل کواریانس مربوط به تأثیر مشاوره شغلی بر خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان

شاخص	درجه آزادی	F	سطح معناداری	میزان تأثیر	توان آماری
پیش آزمون	۱	۶۹/۷	۰۰۰	۰/۷۲	۱/۰۰
گروه	۱	۵/۹	۰/۰۲	۰/۱۹	۰/۶۴
جنسیت	۱	۰/۷۷	۰/۳۸	۰/۰۳۲	۰/۱۳

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که تفاوت بین نمرات افراد در گروه گواه و آزمایش معنادار است به عبارت دیگر مشاوره شغلی بر افزایش خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان تأثیر داشته است. همچنین افزایش خودکارآمدی کارآفرینی در بین پسران و دختران تفاوت معناداری نشان نداد.

بحث و نتیجه گیری

از مجموع نتایج به دست آمده می توان استنباط کرد که مشاوره شغلی در افزایش خودکارآمدی کارآفرینی دانشجویان مؤثر بوده است. نتایج این پژوهش با پژوهش های پیشین در رابطه با اثر مشاوره حرفه ای بر حوزه های شناختی هماهنگ و همسو می باشد (هاکت و بتز، ۱۹۸۱؛ لنت و همکاران، ۱۹۹۶؛ سولیوان و ماهالیک، ۲۰۰۰). بر مبنای این پژوهش می توان تأثیر مشاوره حرفه ای را بر افزایش خودکارآمدی کارآفرینی مورد تأیید قرار داد که این مسأله نگرشی تازه به مشاوره حرفه ای و تأثیر آن از یک سو و باور و اطمینان در افراد نسبت به توانمندیهای خود از سوی دیگر ایجاد می کند. همان گونه که در مقدمه عنوان شد مشاوره حرفه ای در افزایش خودکارآمدی حرفه ای طبق تحقیق سولیوان و ماهالیک به تأیید رسیده است. این پژوهش نیز تأثیر این نوع مشاوره را که به شکل گام به گام و براساس شرایط لازم برای وقوع یک فرایند کارآفرینانه طراحی شده بود، بر افزایش سطح این عنصر شناختی یعنی خودکارآمدی نشان داد.

همچنین از نتایج حاصل از مشاهدات پژوهشگر استنباط می شود که شیوه برگزاری جلسات مشاوره شغلی که با عنوان «۱۰ قدم تا کارآفرینی» برگزار شد، برای دانشجویان جذاب بوده و بجز ۲ یا ۳ جلسه اول در بقیه جلسات با افت آزمودنی روبه رو نشده و اعضای شرکت کننده تا پایان کارگروه به طور فعال در جلسات شرکت کردند. البته تعداد کمی از این اعضا در جلسه آخر تصمیم نهایی خود را برای کارآفرین شدن گرفتند و بقیه ابراز داشتند که این جلسات به روشن کردن مسیر برای آنان کمک نموده است. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهادهای زیر ارائه می گردد.

۱- با تشکیل چنین جلساتی و ارائه الگوهایی از مشاوره شغلی در گروههای مختلف دانشجویی، می توان تا حد زیادی به افزایش خودکارآمدی و به دنبال آن افزایش فعالیتهای کارآفرینانه کمک کرد.

۲- مشاوره شغلی ارائه شده می تواند به عنوان طرح آموزشی به عنوان بخشی از واحدهای اختیاری و اجباری دانشجویان دانشگاه در نظر گرفته شود.

۳- این پژوهش می تواند سرآغازی برای استفاده از نظریه های مشاوره شغلی برای کمک به دانشجویان به منظور پیدا کردن مسیر درست حرفه ای خود و رهایی از بیهودگی و سرگردانی باشد.

۴- این پژوهش می تواند در مورد گروهها و طبقات دیگر جامعه تکرار شود و نتایج حاصل از آن با نتیجه این پژوهش مقایسه گردد.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۸۰)، کارآفرینی، تعاریف، نظریات، الگوها، تهران، پردیس.
- سوانسون، ج، ن، فؤاد. (۱۳۸۱)، نظریه‌های شغلی و کاربرد، ترجمه رقیه موسوی، تهران، اصلح.
- شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۷۰)، راهنمای تحصیلی و شغلی، تهران، پیام‌نور.
- شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۸۱)، راهنمای و مشاوره شغلی و حرفه‌ای و نظریه‌های انتخاب شغل، تهران، رشد.
- صمدآقایی، جلیل. (۱۳۷۸)، سازمانهای کارآفرین، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- هیستریج، ر. م، پیترز. (۱۹۹۹)، کارآفرینی، ترجمه فیض‌بخش، ع و ح تقی‌یاری، تهران، دانشگاه صنعتی شریف.
- BANDURA, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York, freeman.
- CHEN,C.C., GREENE, P.G., CRICK,A. (1998). Does entrepreneurial self-efficacy distinguish enterpreneurs from managers? *Journal of Business venturing*, 23, 295-316.
- DE NOBLE, A.F., JUN G, D.EHRLICH,S.B. (2000). Entreprene-Urial self-efficacy:The development of a measure and its relationship to entrepreneurial action, File://A:/ entrepreneur. Htm.
- ENTREPRENEURSHIP CENTER at MIAMI UNIVERSITY OF OHAIO. (2003). <http://westaction.org/definitions/def-entrepreneurship-2.html>.
- LUTHANS, F & D.STAJKOVIC, A. & IBRAYEVA, E. (2000). Enviorironmental and pscynolocial chahenges foacing entrepreneurial development in transitional economies, *Journal of world Business*, 35, 95-110.
- NYSTUL.S.MICHAEL, (2003). *Introduction to counseling An Art and science perspective*.
- SULLIVAN. K.R., MAHALIK, J.R. (2000). Increasing career self-efficacy for woman: Enaluating a group intervention. *Journal of counseling & development*, 78, 54-61.
- ZUNKER, V.G. (1981). *Career counseling*. Brocks/Cole Publishing co.
- SEXTON, D.L., SMILOR, R.W. (1986). *The Art and science of Entrepreneurship*. Cambridge. MA: Ballinger publishing company.

وصول: ۸۳/۱۲/۲۰

پذیرش: ۸۴/۳/۲۸